

فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ در نخستین سوره مدنی بقره براساس تفسیر تنزیلی

غلامرضا بهروزی لک* / محمدرضا رنجبر**

(۵۸-۳۵)

چکیده

ابهام در فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ، مسئله اصلی این مقاله است. بنابراین، چگونگی فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ، پرسش اصلی آن است. گمان ما آن است: سوره بقره، به مثابه اولین سوره مدنی، می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد. اهمیت این سوره، به دلیل اولویت‌بندی و ارائه تدریجی مسائل مهم در فرایند دولت‌سازی در سال‌های آغازین تأسیس دولت نبوی ﷺ است؛ زیرا سوره بقره، به‌عنوان اولین سوره مدنی، نقش مهمی در فرایند تأسیس دولت اسلامی پیامبر ﷺ دارد. غرض ما را از ارائه فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ، به‌منظور کاربردی آن در دولت‌های تأسیسی جدید اسلامی است. برای رفع ابهام و پاسخ به این پرسش، از چهارچوب تفسیر تنزیلی موضوعی که مبتنی بر تفسیر براساس سیر نزول آیات قرآن است، بهره گرفته‌ایم. براساس مطالعه صورت‌گرفته، یافته‌های تحقیق برای فرایند دولت‌سازی نبوی در سوره بقره عبارت‌اند از: تبیین شاخصه‌های جامعه نوپید

*. دانشیار گروه سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (نویسنده مسئول) - behroozlak@gmail.com

** . استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور - mrranjbar6@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۱۸

مؤمنان، چگونگی رویارویی با گفتمان معارض نفاق و یهود به‌عنوان اپوزیسیون داخلی، نمادسازی دولت نبوی ﷺ براساس تغییر قبله از بیت‌المقدس به مسجدالحرام در تمایز با یهود، تأکید بر امت وسط به‌عنوان نماد امت‌سازی، تبیین قانون دولت اسلامی و تشریح پاره‌ای از قوانین و بیان احکام جهاد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، سوره بقره، دولت نبوی ﷺ، دولت‌سازی و تفسیر تنزیلی

مقدمه

پیامبر اکرم ﷺ با استعانت از رهنمودهای قرآنی، توانست بر مسائل جامعه عصر خویش فائق آید و دولت نبوی ﷺ را پایه‌گذاری کند. از موضوعاتی که در سیر نزولی قرآن کریم تبیین شده، فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ است. براین اساس، خداوند متعال در سور مکی، به تبیین ایده‌ها و هنجارها به‌عنوان از مؤلفه‌های اساسی دولت‌سازی پرداخت. سپس، با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و تشکیل جامعه حداکثری مؤمنان و تأسیس دولت نبوی ﷺ، برنامه‌های زیربنایی، مربوط به دوران تأسیس را ارائه کرد. دراین میان، اولین سوره مدنی به‌خوبی توانسته است بخش مهمی از فرایند تأسیس دولت نبوی ﷺ را تبیین کند. دراین زمینه، با استفاده از روش تفسیر تنزیلی به کشف این فرایند می‌پردازیم. این سبک تفسیری، بر خلاف تفاسیر ترتیبی، نگاه ویژه و معناداری به فرایند نزولی آیات قرآن کریم دارد. از موضوعاتی که می‌توان آن را با استفاده از چهارچوب تفسیر تنزیلی از قرآن کریم توضیح داد، فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ در سوره بقره است. این چهارچوب، مبتنی بر نگاه معنادار به ترتیب نزول سور قرآن کریم در تحلیل حوادث و رویدادهای تاریخ اسلام می‌باشد.

مفاهیم پژوهش

دولت‌سازی، از مباحث مطرح در علم سیاست است و به‌لحاظ تاریخی، قدمت آن «به حدود ۶ تا ۸ هزار سال قبل از میلاد برمی‌گردد» (حاتمی، ۹: ۱۳۹۰). این عمل، نتیجه فرایندهای مختلف دینی، ایدئولوژیک، زیست‌شناختی، اقتصادی و جامعه‌شناختی است.

به‌همین دلیل، دولت‌ها، ایده‌ها و اهداف خاصی را برای تأسیس مطرح می‌کنند؛ سپس در دوران تثبیت، به دنبال تحقق اهداف از پیش تعیین شده هستند. به این ترتیب، دولت‌سازی فرایندی است که به ساخت ظرفیت‌های ملی، سیاسی و نهادی می‌انجامد. در گذر تاریخ، دولت‌سازی‌ها گونه‌های مختلفی داشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: دولت قبیله، دولت امپراتور، دولت شهر، دولت-ملت و دولت-امت.

با مطالعهٔ دولت‌سازی‌ها می‌بینیم، که همهٔ انواع دولت‌سازی، مؤلفه‌ها و عناصر عامی داشته‌اند. چنانچه هر یک از این مؤلفه‌ها محقق نشود، دولت‌سازی‌ها یا ناقص‌الخلقه خواهند بود یا با شکست و فروپاشی روبه‌رو خواهند شد. بنابراین، عناصر دولت‌سازی عبارت‌اند از:

۱. ایده‌سازی

ایده‌ها و معیارها نقش اساسی در شکل‌گیری مبانی فکری و اندیشه‌ای هر دولت دارد. منظور از آن، همان جهان‌بینی است که مسائل کلانی چون هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی را در بر می‌گیرد. بنابراین، معیارها و تفاوت‌های هنجاری، در وهله اول، عامل مهمی در شکل‌گیری شخصیت افراد و اجتماع و سپس فرایند شکل‌گیری دولت‌سازی است. براین اساس، می‌توان معیارها و ایده‌ها را مبانی نظری و تئوریک هر دولت‌سازی به شمار آورد. این مؤلفه، شامل موارد زیر است:

۱-۱. فرهنگ‌سازی: از جمله موضوعاتی که متأثر از معیارها و ایده‌هاست، فرهنگ‌سازی است. از ظرفی، هر دولت‌سازی برای تأسیس، تثبیت، استمرار و حتی مشروعیت خویش، نیازمند فرهنگ‌سازی بر مبنای معیارها و ارزش‌های گفتمانی خویش است. پشتیبانی از فرهنگ‌سازی توسط نظام‌های سیاسی و هدایت جامعه به سوی ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی مد نظر خود را باید در همین راستا نگریست.

۱-۲. مشروعیت سیاسی: از موضوعات مهم در هر دولت‌سازی، مشروعیت سیاسی است. این مشروعیت نیز متأثر از معیارها و باورهای حاکم بر هر جامعه است. در غیر این صورت، دولت‌سازی با چالش‌های زیادی روبه‌رو خواهد شد. از این رو، مشروعیت

سیاسی به معنای «هماهنگ بودن چگونگی به قدرت رسیدن رهبران و زمامداران جامعه با نظریه‌ها و باورهای اکثریت مردم جامعه است، که نتیجه این باور، پذیرش حق فرمان دادن برای رهبران و وظیفه فرمان‌بری برای اعضای جامعه یا شهروندان است» (ابوالحمد، ۱۳۷۳: ۱۲۶). این معیار و ایده، سبب می‌شود که مردم تحت امر یک دولت، فرمان‌برداری از قدرت اعمال شده و تن دادن به حاکمیت سیاسی را بر خود واجب و ضروری بدانند. به این ترتیب، پیروی از قدرت و سازمان‌های سیاسی، تبدیل به عملی هنجاری و منطقی می‌شود و دیگر، نیازی به اجبار و الزام شهروندان، مبنی بر اطاعت از دولت، نخواهد بود. به تعبیر رابرت دال: «هر حکمرانی که بتواند در محدوده ارضی معین، به منظور اجرای مقررات خویش، دعوی انحصاری استفاده مشروع از زور، با موفقیت به کرسی بنشاند، حکومت خوانده می‌شود» (دال، ۱۳۶۴: ۲۰). از همین رو، باید گفت که حکومت شوندگان اطاعت از حکومت، توسط موجب تثبیت حکومت می‌شود. به همین دلیل، «هرگاه در سرزمین معینی، گروه‌های کثیر مردم، به دعوی حکومت، در استفاده از زور، تردید نشان داده یا منکر آن شوند، در این حالت، کشور مزبور، در معرض اضمحلال قرار خواهد گرفت» (همان: ۲۱) و در نتیجه، با بحران مشروعیت روبه‌رو خواهد شد. منشأ مشروعیت سیاسی نیز یا الهی است یا غیر الهی. از دیدگاه اسلام، مشروعیت‌های غیر الهی، طاغوتی است.

۳-۱. تشریح قوانین و احکام: هدف از قانون‌گذاری، رتق و فتق امور جامعه بشری، در هر دولت‌سازی است. از طرفی، از مهم‌ترین منابع قانون، پیش فرض‌ها و معیارهای ارزشی و هنجاری هر جامعه است؛ زیرا قوانین و «حقوق هر جامعه، نماینده مدنیت و اخلاق خاص مردم آن است و هیچ قانون‌گذاری نمی‌تواند بدون توجه به این عناصر، قانون وضع کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۷).

۲. جمعیت یا مردم

نقش مردم، در پدیده دولت‌سازی و ادامه حیات هر دولت، بسیار مهم است. به همین دلیل، به ذکر موضوعات مهم و مرتبط با بحث مردم، به عنوان شاخصه‌ها و عناصر دولت‌سازی

می‌پردازیم: الف) انسجام و یکپارچگی؛ ب) نیروهای موافق و مخالف دولت‌سازی. در دولت نبوی ﷺ، این عنصر در دوران مدنی محقق شد.

۳. قلمرو یا سرزمین

هر دولت‌سازی برای تأسیس و تثبیت موقعیت خود، نیازمند عنصر سرزمین است. در فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ، عنصر سرزمین با هجرت به مدینه محقق گردید.

۴ - نهادسازی (حکومت)

از دیگر مؤلفه‌ها و عناصر اثرگذار در روند دولت‌سازی و توسعه و تثبیت آن، تأسیس نهادها و سازمان‌های مورد نیاز دولت‌هاست. سازمان‌ها می‌توانند امور دولت را تسهیل کنند و از طریق تأسیس حکومت، به اعمال حاکمیت بپردازند. نهادها، با هدف اجرای قوانین و نظارت بر حسن اجرای آن، مورد نیاز هر نظام سیاسی است. بنابراین، در هر دولت‌سازی، نهادها، در ابتدا به دو دسته فرا دست و فرودست تقسیم می‌شوند. نهادی که در رأس هرم قدرت در دولت قرار می‌گیرد، نهاد حاکمیت یا فرا دست است و دیگر نهادها که در سلسله مراتب قاعده‌های این هرم قرار دارند، نهادهای فرودست هستند. در دولت‌سازی نبوی این مؤلفه نیز در دوران مدنی تحقق یافت.

روش‌شناسی پژوهش؛ تفسیر تنزیلی موضوعی

روش تفسیر تنزیلی، به انسجام مجموعه آیات هر سوره و معناداری روابط ظاهر و پنهان آیات درونی سوره و سیاق و تناسب میان آنها توجه ویژه دارد و از کنار موارد به ظاهر غیر متناسب، به سادگی نمی‌گذرد. افزون‌براین، می‌کوشد از ارتباط و تناسب معنادار میان آیات در ترتیب طبیعی نزول یا سیاق آیات نازل شده در یک برهه زمانی، برای فهم مراد خدای حکیم بهره گیرد. این نگاه تفسیری، برخی ابعاد جدید معنایی قرآن را در اختیار قرآن‌پژوهان می‌گذارد. از پژوهشگران برجسته این عرصه، عبدالکریم بهجت پور بوده و پژوهش حاضر

نیز بر نگاه تفسیری ایشان ابتدا یافته است. تفسیر تنزیلی دو رویکرد دارد که عبارت‌اند از: تفسیر تنزیلی ترتیبی، و موضوعی.

الف- تفسیر تنزیلی ترتیبی

مسلم است که آیات قرآن کریم با ترتیب خاصی بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است؛ ترتیبی که با چینش فعلی و مرسوم قرآن‌های موجود، متفاوت است. ترتیب نزول آیات و سوره قرآن کریم، مانند همه افعال خداوند حکیم، دارای معنا و مفهوم است که باید با استفاده از قرآن، روایات، تاریخ، شأن نزول و ... موشکافی شود و حکمت آن، به‌گونه‌ای روشنند به دست آید. شیوه‌ای که می‌تواند ما را به این هدف برساند، روش تفسیر تنزیلی قرآن است. در این روش، تمام آیات و سوره قرآنی به همان ترتیبی که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده بررسی می‌شود. آن چیزی که در این سبک تفسیری از اهمیت دو چندان برخوردار است، نگاه معنادار به نزول تدریجی آیات و سوره‌هاست. بنابراین، «در نظم و تعاقب و پی‌درپی بودن نزول آیات و سوره و ملاحظاتی که میان واقعیت جامعه مخاطبان عصر نزول و اراده‌های خدا وجود دارد، حکمت‌هایی نهفته است که تنها با مطالعه قرآن به این سبک نمایان خواهد شد.» (بهجت‌پور، ۱۶: ۱۳۹۲).

به این ترتیب، این چهارچوب ما را به دانش‌ها و نکات ارزشمند جدیدی رهنمون می‌سازد؛ چنان‌که محمد عزت دروزه می‌گوید:

با این سبک تفسیری، پیگیری سیره پیامبر به ترتیب زمانی ممکن می‌شود. همچنین این امکان به وجود می‌آید که حالات و کیفیات نزول و مراحل آن، به‌صورتی روشن‌تر و دقیق‌تر پیگیری شود؛ و با این قرائن، خواننده در جو نزول قرآن و جو ظرفیت‌ها، مناسبت‌ها و غایات و مفاهیم قرآن قرار می‌گیرد و حکمت نزول برایش آشکار می‌شود (دروزه، ۱۳۸۳: ۹).

در عین حال، این‌گونه تفسیری مشترکاتی نیز با شیوه تفسیری مرسوم دارد؛ از جمله اینکه منابع و ابزار تفسیری تفاوت نمی‌کند و مفسر مانند تفاسیری که بر مبنای ترتیب مصحف نوشته

شده است، از منابع گوناگون نقلی و عقلی، بهره می‌جوید و از این طریق، پرده از چهره آیات و سوره بر می‌دارد.

مهم‌ترین تفاوت در این است که مفسر، با تغییر چینش آیات موضوع مورد مطالعه، به ترتیب نزول، به دریافتی روشن‌تر از آیات دست می‌یابد و در نتیجه، به استخراج مفاهیم از قرآن پردازد. اینک برای تبیین تفسیر به ترتیب نزول به قواعد آن اشاره می‌کنیم: «۱. روش کشف انسجام سوره‌ها؛ فهم سوره، ضابطه فهم منطق سوره؛ ۲. روش کشف ارتباط و تناسب آیات و سوره‌ها در ترتیب نزول؛ ۳. تفسیر دقیق‌تر قرآن به قرآن؛ ۴. دسته‌بندی روایات مرتبط با قرآن؛ ۵. بهره‌گیری از روایات اسباب نزول؛ ۶. دستیابی به جدول ترتیب نزول سوره‌ها» (بهجت‌پور، ۲۸: ۱۳۹۲).

ب- تفسیر تنزیلی موضوعی

این روش تفسیری پس از پایان قاعده ششم تفسیر تنزیلی ترتیبی یعنی دستیابی به جدول ترتیب نزول سوره‌ها آغاز می‌شود. از اهداف این روش، بررسی سیر تطور و شکل‌گیری موضوع در بستر نزول است؛ به این صورت که مفسر به جای چینش آیات مربوط به یک موضوع براساس نظم مورد نظر خود، آنها را به ترتیب چینش الهی در هنگام نزول مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهد تا از این رهگذر، نکات تربیتی، تاریخی و روش‌شناسانه را درباره دیدگاه قرآن در خصوص یک موضوع به دست آورد.

از نتایج کاربست این روش، نشان دادن چگونگی فرایند نهادینه شدن موضوعات متعدد قرآنی است. این در حالی است که در روش‌های متداول تفسیری، چنین امری میسر نخواهد شد. مثلاً مفسرانی که درباره آیات انفاق با استفاده از روش تفسیر موضوعی، تحقیق و تفسیر کرده‌اند، بر موضوعات متعددی چون اهمیت و انواع انفاق، موارد و موانع مصرف آن تأکید ورزیده‌اند؛ ولی در مورد فرایند و چگونگی نهادینه شدن این موضوع در رفتار انسان‌ها سخنی به میان نیامده است، همچنین درباره بسیاری از موضوعات از قبیل نماز، تقوا، ترس از قیامت و دیگر هنجارهای دینی نیز، مطرح است؛ ولی توجه به تفسیر روشمند قرآن براساس

ترتیب نزول، می‌تواند نحوه نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی و تبدیل آن به هنجار اجتماعی را نشان دهد (خامه‌گر، ۲۴۲: ۱۳۸۹).

الگوی تحلیل تفسیر تنزیلی موضوعی

تفسیر تنزیلی موضوعی، ترکیبی از تفسیر به‌حسب نزول و پیگیری موضوع همگام با نزول آیات و سوره‌قرآن است. از روش‌های دستیابی به چینش سوره‌های قرآن کریم، به‌ترتیب نزول، استفاده از روایات است. از بین همه این روایات، «تنها یک سند وجود دارد که تمام راویان آن، معروف و مؤثق هستند و آن، روایت عطاء خراسانی از ابن عباس است» (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۳۵). براین اساس، در ترتیب سوره‌های مدنی، بنابر حدیثی که از ابن عباس نقل شده، سوره بقره، اولین سوره مدنی است (معرفت، ۱۳۷۷: ۸۸).

کاربست تفسیر تنزیلی موضوعی در این مقاله

پس از معین گردیدن سوره بقره به‌عنوان اولین سوره مدنی، به فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ، در این سوره می‌پردازیم. سیر حرکت ما در این پژوهش، درون سوره‌ای است. به‌این معنا که در این روش، مفسر به‌ترتیب آیات و انسجام درون سوره نظر دارد تا به‌این وسیله به منطق و محور اصلی سوره و ارتباط آن با موضوع دسترسی پیدا کند. با توجه به اینکه در روش تفسیر تنزیلی، نخستین گام کشف انسجام درونی سوره است و براین اساس، سوره قرآن کریم نیز دارای ایده‌های محوری و حاشیه‌ای هستند، موضوع مورد بررسی را براساس ترتیب نزول آیات سوره بقره بررسی می‌کنیم. خلاصه مراحل تفسیر تنزیلی موضوعی عبارت است از:

۱. شناسایی جدول ترتیب نزولی سوره قرآن کریم براساس تحقیقات سابق؛

۲. شناسایی منطق درونی هر سوره و کشف محورهای اصلی و فرعی و جایگاه و ارتباط

موضوع مورد مطالعه با آنها.

برای دستیابی به محور اساسی در هر سوره، نیازمند تمهیداتی هستیم؛ از جمله:

- مطالعه دقیق آیات و پیوندهای ابتدایی میان آنها و همچنین توجه به آغاز و

فرجام سوره؛

- حاصل این مطالعه و تدبر در سوره، جست‌وجوگر را به چند موضوع متنوع می‌رساند؛
- در مرحلهٔ بعد، باید به مطالعهٔ تفصیلی این موضوعات پرداخت تا موضوع محوری و اصلی سوره - که دیگر بخش‌های سوره در توضیح و تشریح و شبهه‌زدایی از آن است - معلوم شود؛
- پس از این مرحله، زمینهٔ کشف غرض و مقصود سوره فراهم می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۲۱۸).
- موضوع مورد بررسی در سور، ممکن است در محور اصلی یا در محورهای حاشیه‌ای باشد.
- ۳. شناسایی ارتباط موضوع با آیات و ترتیب نزول آیات در داخل سوره؛
- ۴. تبیین و تنظیم مطالب به‌دست‌آمده و ارائهٔ نظریه تفسیر تنزیلی موضوعی.

نمودار: روش تفسیر تنزیلی موضوعی در تحلیل فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ در اولین سورهٔ مدنی (سورهٔ بقره)



تبیین فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ در سورهٔ بقره

از تلاش‌های پیامبر ﷺ در مسیر تحقق الگوی دولت‌سازی نبوی ﷺ و طراحی دورنمای امت اسلامی، ایجاد هویت واحد فرهنگی است. در همین زمینه، اولین تلاش‌های فکری و

فرهنگی پیامبر ﷺ معطوف به از بین بردن اندیشه‌های مشرکانه و بت‌پرستی و اثبات حقانیت توحید و در نتیجه، شکل‌دهی هویت واحد اعتقادی و فکری برای اتحاد افراد در یک نظام اندیشه‌ای است. «این امر با دعوت علنی پیامبر اعظم ﷺ در همان دوران ده‌ساله مکه آغاز می‌شود» (معادی‌خواه، ۱۳۷۲: ۸۶). در نتیجه کوشش برای ظهور چنین هویت مشترک فکری در مکه، زمینه‌های دولت‌سازی در مدینه فراهم آمد؛ زیرا مهم‌ترین اولویت پیامبر ﷺ در مکه، تبیین مبانی هویت‌ساز امت اسلامی و تربیت اعتقادی افراد برای برپایی دولت نبوی ﷺ بود. «سیاست پیامبر اعظم ﷺ در این مرحله، به صورت مطلق، استفاده نکردن از قدرت و سازوکار نظامی در برابر مشرکان و بت‌پرستان بود و اصحاب و یاران آن حضرت، حتی حق دفاع در برابر آزار و شکنجه‌ها را نیز نداشتند.» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۰۹)

بنابراین، بعد از فراهم شدن شرایط، دستور هجرت از مکه به مدینه در جهت برپایی دولت نبوی ﷺ صادر می‌گردد. بر این اساس، هجرت، از نقاط عطف الگوی دولت‌سازی نبوی ﷺ است. اگرچه قرآن کریم در سورهٔ مکی اعراف (مکی ۳۹)،^۱ جامعهٔ نوپای مؤمنان را به عنوان قطب جدید و جامعهٔ حداقلی مطرح می‌کند، با ورود پیامبر ﷺ به مدینه و همچنین نزول سوره‌های مدنی که نقطهٔ آغاز آن سورهٔ بقره است، دستیابی به عنصر جمعیت که از شاخص‌های مهم دولت‌سازی است، میسر گردید. از همین رو، جمعیت مؤمنان به دلیل کثرت نفرت و تثبیت نسبی هویت آنان، به قطب مسلط تبدیل شده و دیگر گفتمان‌های غیر الهی به حاشیه رانده می‌شوند. بنابر این تأسیس دولت نبوی ﷺ تحقق یافت.

هر دولتی در بدو تأسیس نیازمند به تمهیدات اولیه از جمله قوانین و نهادسازی است، تا بتواند امور خود را سپری کند. در همین زمینه، این مأموریت به سوره‌های مدنی قرآن، که نقطهٔ شروع آن سورهٔ بقره می‌باشد، محول شده است. سورهٔ بقره «اولین سورهٔ مدنی است و بعد از سورهٔ مطففین (مکی ۸۶) ما بین هجرت و غزوهٔ احد نازل شده است» (شرف‌الدین، ۱۴۱۲: ۷۴). نام‌گذاری این سوره به بقره (گاو ماده) به این مناسبت است که «در آیات ۶۷-۷۳ داستان

۱. مراد از ۳۶ مکی و موارد مشابه در این مقاله آن است که سوره اعراف سی و نهمین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ و مکی است.

گاو بنی اسرائیل آمده است» (جوادی آملی، ۲۷: ۱۳۹۳) و همچنین «به سبب قرار گرفتن آیه الکرسی در این سوره و به کار رفتن این کلمه در آیه ۲۵۵ به الکرسی، و به دلیل ذکر روایتی از پیامبر ﷺ به فسطاط القرآن، و همچنین از آن رو که طولانی‌ترین سوره قرآن است، به سننام القرآن نامیده شده است» (بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ۳۸۱).

این سوره با تقسیم جامعه مدنی به چند گروه مؤمنان، کفار، منافقان و اهل کتاب، به تبیین شاخصه‌های آنان پرداخته و ضمن اشاره به آفت‌ها و خطرهای احتمالی جامعه نوظهور مدنی، مؤمنان را از نقض عهد و رفتار گزینشی با احکام و قوانین الهی را بر حذر داشته و پاره‌ای از احکام الهی را برای جامعه متقین تشریح کرده است؛ تا به این وسیله، جامعه مؤمن مدنی، از دیگر گروه‌های اجتماعی تفکیک شوند و ضمن حفاظت از هویت آنان به تکالیف خویش نیز آشنا گردند. ازمین‌رو، در اولین سوره مدنی به اولین احکام و قوانین جامعه مدنی اشاره می‌کند.

تبیین ویژگی‌ها و شاخصه‌های جامعه مؤمنان

خداوند متعال در ابتدای سوره بقره ضمن اختصاص هدایت قرآنی به اهل تقوا شش ویژگی جامعه ایمانی را بر می‌شمارد، که عبارت‌اند از: ۱. ایمان به عالم غیب؛ ۲. برپایی نماز؛ ۳. انفاق اموال؛ ۴. ایمان به کتب الهی؛ ۵. ایمان به انبیای الهی؛ و ۶. ایمان به آخرت. آن‌گاه با دعوت انسان‌ها به پذیرش حاکمیت و بندگی خداوند، به سرانجام شوم پیمان‌شکنان و عاقبت نیکوی مؤمنان می‌پردازد. (بقره: ۱-۲۹) هدف از بیان این امور، مقدمه‌ای است در راستای بیان اولین میثاق‌ها در جامعه مدنی، به‌عنوان راهبرد اولیه دولت نبوی ﷺ تا به این وسیله، مؤمنان آمادگی پذیرش و عمل به تعهدات الهی در راستای راهبرد اولیه را داشته باشند. به همین دلیل، سرنوشت شوم ابلیس و اهل کتاب، به‌عنوان نمونه‌هایی از پیمان‌شکنان و نافیان قوانین الهی را متذکر می‌شود.

از همین‌رو، ابتدا در آیات ۳۰-۳۹ سوره بقره، به سرپیچی ابلیس از فرمان الهی در سجده بر آدم و همچنین اقدام او بر اغوای آدم و حوا، در جهت تخریب موقعیت آنان و

اخراج از جایگاه رفیع الهی می‌پردازد، آن‌گاه ضمن گوشزد به همهٔ ابناء بشر نسبت به میثاق عمومی با پروردگار مبنی بر پذیرش هدایت الهی به سرانجام نیک هدایت یافتگان و پایان بد پیمان‌شکنان اشاره می‌کند. سپس از آیات ۴۰- ۴۱ (سورهٔ بقره، اهل کتاب را خطری مهم برای جامعهٔ متقین و دولت نوپای نبوی ﷺ معرفی می‌کند و آنان را در زمرهٔ پیمان‌شکنان به‌شمار می‌آورد و با یادآوری سرگذشت تاریخی و نقد رفتار آنان در قبال اسلام، راهکار مقابله پیامبر ﷺ و مؤمنان با آنها را بیان می‌کند. خداوند، اهل کتاب را مانند ابلیس و مشرکان در زمرهٔ پیمان‌شکنانی می‌داند که در پی به انحراف کشاندن جامعهٔ مؤمن مدنی و درنهایت، دولت نوپای نبوی ﷺ هستند. بنابراین، متقین را از دنباله‌روی آنان که به تبدیل ایمان آنان به کفر و در نتیجه، نقض پیمان آنان با خدا می‌شود، منع می‌کند. سپس همهٔ ادیان الهی را متأثر از فرهنگ توحید که ریشه در تعالیم و جایگاه رفیع حضرت ابراهیم ﷺ دارد، معرفی می‌کند و همه را به پرهیز از اختلاف و توحید در بندگی سوق می‌دهد؛ تا به این وسیله حاکمیت الهی و دولت نبوی ﷺ شکل گیرد.

۲. چگونگی رویارویی با معارضان دولت اسلامی با تبیین وضعیت یهود و منافقان

علاوه بر مشرکان مکه، که از دشمنان دیرینهٔ پیامبر ﷺ بودند، با استقرار پیامبر ﷺ در مدینه و حاکم شدن جامعهٔ حداکثری و گفتمان متقین، دو گفتمان جدید، به‌عنوان اولین مخالفان سرسخت داخلی دولت نبوی ﷺ سربرآوردند که عبارت‌اند از: گفتمان نفاق و یهودیان مدینه و اطراف آن. پاره‌ای از آیات سورهٔ بقره، به بیان ویژگی‌ها و دشمنی‌های این دو گفتمان با دولت تازه تأسیس پیامبر ﷺ در مدینه پرداخته است.

الف) گفتمان نفاق

در آخرین آیات مکی و در آستانهٔ هجرت، خداوند متعال به از مهم‌ترین آسیب‌های گروه مؤمن که سربرآوردن گروه جدیدی به‌عنوان منافقان بود، اشاره کرد (عنکبوت: ۱-۱۱). آن آیات به عواقب سوء این گروه هشدار داد. پس از ورود پیامبر ﷺ و اصحاب ایشان به مدینه، با تأسیس دولت نبوی ﷺ، نوع جدیدی از نفاق ظهور کرد. درهمین راستا، منافقان با انسجام بیشتر به

توطئه‌چینی و همکاری مخفیانه با یهودیان در جهت تضعیف و مقابله با گروه مؤمنان پرداختند. آنها درحالی‌که با تظاهر به ایمان، نفوذ خزنده و پنهانی در جامعه مؤمنان پیدا کرده بودند، در برنامه‌ها و جلسات پیامبر حضور می‌یافتند؛ اما در خلوت خود، به ابراز دشمنی و توطئه‌چینی علیه پیامبر ﷺ و گفتمان متقین می‌پرداختند. ازاین‌رو، می‌توان آسیب و خطر آنان را بیش از دیگر دشمنان اسلام دانست.

در رأس منافقان، عبدالله ابن اُبی حضور داشت. وی پیش از استقرار پیامبر ﷺ و صاحبش در مدینه، از موقعیت و احترام ویژه‌ای میان دو قبیله اوس و خزرج، که دو قبیله بزرگ آنجا بودند، برخوردار بود؛ تا جایی که قرار بود وی را رئیس خود برگزینند و مانند پادشاهان روم و ایران، او را به تاج و تخت برسانند. اما با حضور پیامبر ﷺ و حاکم شدن گفتمان متقین، او همچنین جایگاه گذشته خویش را از دست داد. او معتقد بود که حضور پیامبر ﷺ در مدینه، سبب ازبین‌رفتن جاه و جلالش و در نتیجه، سلب پادشاهی او شده است. به‌همین دلیل، راه‌کینه‌ورزی و دشمنی با پیامبر ﷺ را در پیش گرفت. اما از آنجاکه اکثریت اهل مدینه اسلام را پذیرفتند و دیگر گفتمان‌ها به حاشیه رانده شدند، او همچنین به‌ناچار و از روی اکراه، اسلام آورد و به‌این ترتیب، در لاک اسلام به دشمنی و دسیسه‌گری علیه دولت نوپای نبوی ﷺ پرداخت (ابن هشام، ۱۴۰۶: ۲۹۲).

آیات ۸-۲۰ سوره بقره به بیان برخی برنامه‌ها و شگردهای خاص آنان اشاره کرده است (همان: ۱۷۷). این آیات، با زیبایی هرچه تمام‌تر به تحلیل صفات و عملکرد گفتمان نفاق پرداخته است. در همین راستا، ابتدا با بیان اهداف آنها، از تظاهر به دین‌داری و قصد آنها در فریب‌دادن خدا و مؤمنان، نقاب را از چهره آنان برمی‌دارد و ضمن اذعان به ناکامی آنان، به بیماری روحی و عذاب دردناکی که در انتظار آنهاست، اشاره می‌کند و سپس به بیان ویژگی‌ها و آینده تاریک و تباه آنها می‌پردازد. خطر این گروه، به اندازه‌ای است که خداوند متعال، علاوه بر سوره بقره، در آیات متعددی از سوره‌های قرآن کریم، نظیر آیات ۲۹-۳۰ سوره محمد به آن اشاره کرده است. افزون بر آن، با اختصاص یک سوره به آنان، به ماهیت و رفتار گفتمان نفاق پرداخته است (منافقون، مدنی ۱۰۵).

ب) گفتمان یهود

بعد از گفتمان نفاق، گروه دیگری که در اولین سوره مدنی به عنوان دشمنان دولت نبوی ﷺ مطرح شده‌اند، یهودیان هستند. نقطه محوری گفتمان یهود مدینه، منفعت طلبی آنان بود. به لحاظ تاریخی ورود آنها به مدینه و اطراف آن، به قتل عام و آواره شدن قبایل یهود توسط بُحْتُ النَّصْر و مهاجرت به مدینه و سکنا گزیدن آنها در مدینه و اطراف آن بر می‌گردد (سهیلی، بی تا: ۲۹۰). برخی پژوهشگران (سمهودی، ۱۴۰۱: ۱۶۳) قبایل آنها را بیش از بیست قبیله دانسته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: بَنِي نَظِير، بَنِي قَيْنُقَاع، بَنِي زَعُورَا، بَنِي مُحَمَّم و بَنِي مَاسِكَة. آنها از نفوذ زیادی میان اهل مدینه برخوردار بودند. مهم‌ترین دلیل آن نیز برخورداری از ثروت درخور توجه بود. در دورانی که دو قبیله مهم اوس و خزرج در مدینه به جای پرداختن به امور اقتصادی دچار جنگ و خون‌ریزی بودند، یهودیان با خیال آسوده به کشاورزی و سوداگری اشتغال داشتند؛ و از این رهگذر، به ثروت و نفوذ آنان افزوده شد.

اما پس از استقرار پیامبر ﷺ و تأسیس دولت نبوی ﷺ، و آشتی کردن و اتحاد اوس و خزرج، یهودیان منافع خویش را در خطر دیدند. از این رو، مجبور شدند که پیامبر ﷺ را بپذیرند. پس از آن، نبی اکرم ﷺ عهدنامه‌ای مشروط به اینکه یهودیان علیه مسلمین توطئه و دشمنی نکنند، حقوقشان را محترم شمرد. به این ترتیب، به دلیل قرار گرفتن در موضع ضعف، آنها در ابتدا از درگیری نظامی دوری کردند؛ اما با شیوه جنگ نرم از قبیل تبلیغ و توطئه علیه مسلمانان، به مقابله با گفتمان مؤمنان پرداختند و در نهایت، با همدستی مشرکان و دشمنان اسلام، به پیمان شکنی و مقابله نظامی با اهل ایمان روی آوردند. در نتیجه، پیامبر ﷺ نیز به مبارزه با آنها پرداخت. از توطئه‌های فرهنگی آنها که در آیه ۱۴۶ سوره بقره به آن اشاره شده، مخفی کردن حقایق ظهور پیامبر ﷺ است.

عالمان یهود براساس متون دینی و مقدسشان در عین آگاهی به موضوع بعثت نبی اکرم ﷺ و لزوم پیروی از او، به کتمان این حقیقت از هم‌کیشان خود و مسلمانان پرداختند، تا منافع مادی و مقام و جایگاه آنان به مخاطره نیفتد: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ

أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ^۱ عبد الله ابن سلام، دانشمند یهودی گرویده به اسلام، می‌گوید:

من محمد ﷺ را از فرزندم بهتر می‌شناختم. از او سؤال شد: چگونه؟ گفت: چون علایم آشکار [روشن] او را در کتب یهود خوانده بودم و یقین داشتم که او پیامبر موعود است؛ اما در مورد فرزندم ممکن است همسرم به من خیانت کرده باشد» (فخر رازی، ۱۴۴: ۱۴۲۱).

علاوه‌براین، قبل از بعثت نبی اکرم ﷺ، هرگاه یهودیان با مشرکان رویارویی می‌شدند، می‌گفتند: عن قریب (به‌زودی) پیغمبری با فلان ویژگی‌ها ظهور می‌کند و ما با ایمان به او به محو بت پرستی و شرک خواهیم پرداخت و بر شما فائق خواهیم آمد. اما پس از ظهور نبی اکرم ﷺ، منفعت‌طلبی آنان موجب گردید، که نسبت به ایشان کافر گردند. از این‌رو، خداوند آنها را مورد لعنت خود قرار داد: وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ^۲ (بقره: ۸۹).

برهمن اساس، یهودیان با شیوه‌های مختلف اقدام به تضعیف دولت نبوی ﷺ می‌کردند. از جمله اینکه با طعنه و تمسخر در قداست حضرت تردید ایجاد می‌کردند مثلاً در پاره‌ای اوقات که وحی الهی نازل می‌شد و پیامبر آن را برای مردم بازگو می‌کرد، برخی مسلمانان گفتارها را خوب و سریع درک نمی‌کردند و از پیامبر ﷺ می‌خواستند که مراعات حال آنان را کند و، قدری آرام و شمرده سخن بگوید. آنان تقاضای خودشان را، با تعبیر «راعنا» ارائه می‌کردند؛ اما یهودیان با توجه به معنای عبری «راعنا» که نوعی نفرین و ناسزاست و همچنین تعبیر احمق که معنای کلمه «راعن» در عربی است، مرتباً این کلمات را در رویارویی با پیامبر ﷺ تکرار می‌کردند و موجبات تمسخر و خنده دیگران را فراهم می‌آوردند و چون به آنها

۱. آنهایی که ما کتابشان دادیم. قرآن را می‌شناسند؛ آن‌چنان‌که فرزندان خود را، ولی پاره‌ای از ایشان، حق را دانسته کتمان می‌کنند.

۲. «و چون کتابی از نزد خدا پیام‌شان، کتابی که کتاب آسمانی‌شان را تصدیق می‌کرد، و قبلاً هم علیه کفار آرزوی آمدنش می‌کردند، تکذیبش کردند. آری، بعد از آمدن کتابی که آن را می‌شناختند، به آن کفر ورزیدند. پس لعنت خدا بر کافران.»

تذکر داده می‌شد که با این الفاظ پیامبر ﷺ را مورد تمسخر قرار ندهید، در پاسخ می‌گفتند، مگر شما کلمه «راعنا» را نسبت به پیامبر ﷺ به کار نمی‌بندید؟ ما نیز همان گفته شما را به کار می‌گیریم.

به‌همین دلیل، آیه ۱۰۴ سوره بقره نازل گردید و از مسلمانان خواسته شد تا به‌جای کلمه «راعنا»، از کلمه «انظرنا» استفاده کنند. تا دیگر دستاویزی برای تمسخر یهودیان باقی نماند. *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ* تعبیر کافرین در این آیه تأکیدی بر این است که دیگر کسی از کلمه راعنا استفاده نکند. در غیر این صورت، تخطی از دستور الهی به معنی کفر ورزیدن تلقی می‌گردد و به این ترتیب با این تعبیر به کفر یهودیان نیز اشاره می‌شود.

نمونه دیگر توطئه آنان، تلاش در جهت بی‌اعتبار جلوه دادن قرآن و بی‌تأثیر کردن کلام الهی میان مردم بود. در قرآن کریم، اشاره شده است که عده‌ای از آنان قصد کردند که در اول صبح، به صورت دسته‌جمعی ادعای ایمان کنند، ولی شبانگاه بی‌ایمانی و کفر خود را اعلام سازند و چنین وانمود کنند که ما می‌پنداشتیم قرآن، کتاب معتبری است؛ اما حال متوجه بی‌اعتباری و سستی آن شدیم و در نتیجه، از ایمانش عدول کردیم (آل عمران: ۷۲). گفته شده است این گروه دوازده نفر از علما و احبار یهود بودند که با هدف سست نمودن پایه‌های اعتقادی اصحاب پیامبر ﷺ، چنین دسیسه‌ای را طراحی کردند. آنها از هر فرصتی برای تضعیف جامعه مؤمن و نو بنیاد مدنی و اختلاف افکنی میان آنان بهره می‌جستند.

نقل شده است روزی شخصی به نام شاس ابن قیس که پیرمردی یهودی بود و کینه خاصی از مسلمانان در دل داشت، از کنار گروهی از مسلمانان قبیله اوس و خزرج می‌گذشت. مشاهده مهربانی و انس و الفت آنان با یکدیگر برای او گران آمد. بنابراین، با توجه به کینه‌های گذشته این دو قبیله، او از جوانی یهودی خواست تا بین آنان برود و

۱. «ای کسانی که ایمان آوردید (هرگاه خواستید از پیامبر خواهش کنید، شمرده‌تر سخن گوئید تا بهتر حفظ کنید با تعبیر «راعنا» تعبیر نکنید (چون این تعبیر در اصطلاح یهودیان نوعی ناسزا است و آنان با گفتن آن پیامبر را مسخره می‌کنند)؛ بلکه بگوئید «انظرنا» و نیکو گوش دهید و کافران را عذابی الیم است.»

اشعاری را که این دو قبیله در گذشته علیه یکدیگر قرائت می‌کردند، بخواند و در آن اشعار، روز «بَعاث» را که یادآور زمان جنگ و خون‌ریزی میان آنان بود، به یادشان آورد. او نیز چنین کرد و این عمل سبب شد تا میان مسلمانان فتنه‌ای به پا خیزد؛ به‌گونه‌ای که نزدیک بود شمشیر مسلمین علیه یکدیگر از نیام در آید، که پیامبر ﷺ با عده‌ای از اصحابش به محل آمد و فرمود: «ای مسلمانان، خدا را در نظر بگیرید. آیا باز هم دم از جاهلیت می‌زنید، درحالی‌که با وجود من در بین شما، خداوند شما را به اسلام هدایت نمود.» (آنان به خود آمدند و دانستند که این یک خدعه و توطئه بوده است. در نتیجه، به گریه افتادند و یکدیگر را به آغوش کشیدند و با پیروی از سخنان پیامبر ﷺ، در پی او به راه افتادند و در نتیجه، خداوند نقشه آن فرد یهودی را خنثی نمود) (شامی صالحی، ۱۴۱۴: ۳۹۸).

ترفند دیگر آنان، این بود که به انصار می‌گفتند از اموال خود به گروه مهاجرین ندهید زیرا شما اطلاعی از آینده ندارید و این کار، موجبات تنگدستی و فقر شما را فراهم می‌آورد. هدف یهودیان از این کار، ضربه زدن به اتحاد جامعه ایمانی بود که به واسطه صفا و صمیمیت بین آنها به وجود آمده بود. (به‌همین دلیل، خداوند فرمود: «(ابن هشام، ۱۴۰۶: ۲۰۸) الَّذِينَ يَخْلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا»^۱ (نساء: ۳۷).

۳. نمادسازی دولت اسلامی با تغییر قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام در تمایز با یهود: در آغاز رسالت نبوی ﷺ، کعبه، یادگار حضرت ابراهیم ؑ و نماد حاکمیت توحید، کانون بت‌های مشرکان بود. از این رو، دستور داده شد که مسلمانان موقتاً به سوی بیت المقدس نماز بخوانند و به این ترتیب، «صفوف خود را از مشرکان جدا کنند اما هنگامی که مسلمانان به مدینه مهاجرت کردند و تشکیل حکومت و ملت دادند، دیگر صفوف آنها کاملاً از دیگران جدا شد و ضرورتی نداشت که اقامه نماز به طرف بیت المقدس ادامه یابد و دستور داده شد که به سوی کعبه که قدیمی‌ترین مرکز توحید بود باز گردند» (مکارم

۱. همان کسانی که بخل می‌ورزند، و دیگران را نیز به بخل دعوت می‌کنند، و آنچه خدا از فضل خود به آنان روزی کرده است، کتمان می‌کنند، و ما برای کفرپیشگان عذابی تهیه کرده‌ایم که در برابر تبخترشان خوارشان سازد.

شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۸۷). واضح است که این عمل از نقاط عطف تاریخ اسلام است، از همین رو، پس از واقعه هجرت، تغییر قبله از نقاط عطف تاریخ اسلام و از مهم‌ترین احکام تشریحی است. به این ترتیب، انقلابی اساسی در اسلام به وقوع پیوست. عمق این حادثه به حدی است که یهود و غیر یهود را به واکنش واداشت. آنان می‌دیدند که نماد دین‌شان که مایهٔ تفاخر و قدرت آنان بود و به این وسیله ملل دیگر را تابع خویش کرده بودند، دستخوش تغییر گردید. یهودیان به واسطهٔ قبله خود، امت‌های دیگر را تابع خویش می‌دانستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۸۷).

یهودیان که قبلاً همین مسئله را دستاویزی قرار داده بودند تا پیامبر ﷺ و مسلمانان را مورد هجمه قرار دهند، برآشفتند و در نتیجه، طعنه‌های جدیدی علیه دولت نو پای نبوی ﷺ به کار گرفتند. پیامبر اکرم ﷺ در دوران حضور در مکه و در ماه‌های ابتدایی حضور در مدینه، با امر الهی به سمت بیت المقدس نماز می‌گزارد، اما پس از مدتی به فرمان خداوند، مسلمانان قبله خود را از بیت المقدس به سمت کعبه تغییر دادند. این امر سبب ناراحتی یهودیان گردید، از این رو، علیه اسلام به طعنه‌پراکنی پرداختند و گفتند: اگر قبله اولتان ایرادی نداشت، پس به چه دلیل آن را کنار گذاشتید؟ و اگر قبله بعدی شما قبله واقعی است، پس به چه دلیل در دوران حضور در مکه و در اوایل ورود به مدینه به آن سمت نماز می‌گذاشتید؟ در همین راستا قرآن در پاسخ به آنان می‌گوید که همه شرق و غرب عالم از آن خداست (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۵).

می‌توان گفت از اقدامات پیامبر ﷺ در راستای نمادسازی دولت نبوی ﷺ تغییر قبله است؛ زیرا از این طریق جامعه نوپای مسلمین تقدم پیدا می‌کرد و از طرفی، موجبات اتحاد آنان را فراهم می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۷۹). به این ترتیب، تغییر قبله به مثابهٔ نمادسازی دولت نبوی ﷺ و چونان پرچمی است که به تقویت هویت امت و اتحاد و انسجام آنها می‌انجامد.

۴. تأکید بر امت وسط به عنوان نماد امت‌سازی: آیات بعدی سوره پس از دستور قرآن مبنی بر تغییر قبله و نمادسازی برای دولت نبوی ﷺ، در ادامه به بیان وجه تمایز اسلام با مشرکان و اهل کتاب اشاره می‌کند. به همین دلیل، امت اسلام را برخلاف دو تفکر مادی‌گرا

و روح‌گرا امتی وسط معرفی می‌نماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳). این موضوع به این معناست که امت اسلام به تبعیت از فطرت انسانی، نه مانند مشرکان و وثنی‌ها، مادی‌گرا هستند و نه مانند مسیحیت به‌سوی رهبانیت‌گرایی دارند. از این‌رو، چنین امتی امت میانه و متعادل خواهد بود؛ زیرا آنان هم به بعد جسمی و هم به بعد روحی انسان توجه دارند تا با این دو بعد به سعادت نائل آیند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱، ۴۸۱). به‌همین دلیل، خداوند متعال در آیات ۱۴۲-۱۵۰ سوره بقره، پس از موضوع تغییر قبله به معرفی جامعه مؤمنان به‌عنوان امت وسط (امتی که دین و دنیا را توأمأً مد نظر قرار می‌دهد) می‌پردازد.

۵. قانون‌گذاری دولت نبوی ﷺ با تشریح پاره‌ای از احکام: با حضور رسول اکرم ﷺ در مدینه، گذار از جامعه حداکثری مشرکان به جامعه حد اکثری مؤمنان به وقوع پیوست و در نتیجه، جمعیت گروه مؤمنان، که از مؤلفه‌های دولت‌سازی است، رو به فزونی نهاد. از طرفی، به واسطه حضور این جمعیت مؤمن در مدینه، سرزمین نیز که از دیگر عناصر مهم دولت‌سازی است، به دست آمد. بر این اساس، احتمالاً منظور خداوند از عبارت «فَأَسْتَغْلَظْ» (که به معنای قوی شدن است) در آیه ۲۹ سوره فتح، اشاره به همین دوران دارد. به این ترتیب، می‌توان گفت که خداوند پیدایش جامعه مؤمنان را به چند دوره تقسیم می‌کند: دوران جوانه زدن، دوران رشد، دوران قوی شدن، دوران استقلال و دوران فراگیر شدن که مایه تعجب خواهد بود: «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: ۲۹). بنابراین، در دوران مدنی به دلیل کثرت جامعه مؤمنان و دستیابی به جمعیت و سرزمین، که از عناصر دولت‌سازی است، آنها به قدرت مسلط تبدیل شدند و اقدام به تأسیس دولت نمودند. چنین جامعه‌ای برای اداره امور خویش، نیازمند قوانین و نهادسازی است. اگرچه

۱. و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم.

۲. وصف آنان در انجیل این است که چون زراعتی هستند که از شدت برکت پیرامونش جوانه‌هایی می‌زند و آن جوانه‌ها هم کلفت می‌شود و مستقیم بر پای خود می‌ایستند به طوری که برزگران را به شگفت می‌آورد (مؤمنان نیز این طورند)، این برای آن است که کفار را به خشم آورد، خدا به کسانی که ایمان آورده و از آن بین به کسانی که اعمال صالح هم می‌کنند وعده مغفرت و اجری عظیم داده است.

قبل از آن از قوانین و وظایف اندکی برخوردار بودند، اما اکنون به دلیل پیچیدگی اوضاع و گستردگی حاکمیت نبوی ﷺ، می‌بایست قوانین و تکالیف بیشتر و هم‌زمان با اوضاع جدید، تشریح گردد؛ زیرا جامعه جدید، اگرچه فرصت طلایی در فرایند دولت‌سازی نبوی ﷺ را برای گفتمان مؤمنان به وجود آورد، درعین حال آسیب‌ها و تهدیدهایی چون حضور اقلیت‌ها و نحوه تعامل با آنها، مشکلات داخلی و خارجی، از جمله مسائل پیش روی دولت نبوی ﷺ است. بیشتر تمرکز سور مدنی بر چنین موضوعاتی است تا مؤمنان بتوانند با تأسی از راهبری‌های قرآن کریم و تبیین نبی مکرم اسلام ﷺ، غلظت، عظمت و شوکت جامعه را تأمین کنند و از این دوره خطر بگذرند.

به‌همین منظور خداوند احکام و تکالیف لازم و متناسب با شرایط جدید را در سوره بقره بیان کرد. در همین راستا، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، قبل از بیان احکام، مؤمنان را از نقض پیمان و برخورد گزینشی با احکام و تکالیف الهی برحذر داشت؛ زیرا در موقعیت جدید مؤمنان با خطرهایی روبه‌رو بودند، که ممکن بود آنان را به ورطه کفر و شکستن حریم‌ها و نقض احکام الهی بیافکند. از این خطرها، خدعه‌های ابلیس در مسیر اغوای بنی آدم، اهل کتاب، و همچنین دل‌بستگی‌های برخی مؤمنان به روابط نسبی، قومی و قبیله‌ای با کفار مکی است که به تشکیل گفتمان نفاق انجامید. این گروه بیمار دل به واسطه کفر درونی‌شان مهم‌ترین مانع در فرایند تأسیس و حاکمیت دولت نبوی ﷺ بودند. از این‌رو، خداوند متعال پس از آگاهی دادن متقین به این مسائل به بیان احکام الهی پرداخت. احکامی که در سوره بقره تشریح گردید، شامل قوانین اجتماعی، عبادی و احکام خانوادگی است. این احکام، به تدریج در طول چند سال، گفته شده تا پنج سال، بیان گردید و موجب شد تا رفته‌رفته، جامعه حداکثری مؤمنان را از آداب، رسوم و فرهنگ جاهلی دور کند و آنان را با هویت یکپارچه و قوانین مدنی جدید، حول محور پیامبر اکرم ﷺ، آشنا و متحد سازد.

۶. تبیین مسائل جنگ و جهاد و چگونگی رویارویی با دشمنان دولت اسلامی:

حرکت اصلاحی پیامبر اکرم ﷺ از همان اوایل بعثت و در دوران مکی، همواره با کارشکنی، و تهدیدهای فراوان توأم بود. از جمله آن میان، شکنجه، آزار و شهادت برخی تازه مسلمان‌ها و

همچنین توطئه قتل پیامبر ﷺ در لَیْلَةُ الْمَبِیت بود. در عین حال، به دلیل مبسوط الید نبودن پیامبر ﷺ و جامعه حد اقلی مؤمنان، جهاد با کفار و در هم شکستن حاکمیت طاغوت، امری بسیار خطرناک به نظر می‌رسید. از همین رو، پیامبر ﷺ در وهله اول مأمور به مماشات با کفار بود. از این رو، آیه ۹۴ و ۹۵ سوره حجر (مکی ۵۴) ضمن فرمان به آشکار کردن دستوره‌های الهی، از پیامبر ﷺ می‌خواهد که از مشرکان مسخره‌گر و کینه‌جو، روی بگرداند و از آنها دوری کند. و بیان می‌دارد که خداوند متکفل شما در نجات از تهدیدها است. (فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ اَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ)^۱

از مصداق‌های اعراض در اینجا بی‌اعتنایی یا نفی درگیری پیامبر ﷺ، با مشرکان است؛ به گونه‌ای که، پیامبر ﷺ در مقابل مانع تراشی و آزار مشرکان می‌فرمود: «اصْبِرْ وَ اَفْنِی لِمَ اُوْمِرَ بِالْقِتَالِ»^۲ (شهابی، ۲۰۵:۱۳۵۴؛ الزحلی، ۱۱۵:۱۴۱۲) بنابراین، پیامبر اسلام ﷺ می‌بایست در این دوران با شیوه‌های حکمت آمیز، موعظه حسنه و جدال احسن با مشرکان رفتار می‌کرد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ اِنْ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^۳ (نحل: ۱۲۵). اما پس از استقرار پیامبر ﷺ و گروه مؤمنان در مدینه و مبسوط الید شدن آنها، مسلمانان از توان و قدرت دفاعی مناسب بهره‌مند شدند. از این رو، دولت تازه تأسیس نبوی ﷺ، که هنوز با دشمنان سر سخت و قسم خورده‌ای چون کفار مکی، منافقان و اهل کتاب، به ویژه یهودیان، رویارویی بود، لازم بود که برای حفاظت و پاسداری از این دولت از سازوکار و برنامه‌ای مدون برخوردار شود.

بنابراین، خداوند متعال از مهم‌ترین احکام خود را که می‌توانست از موجودیت دولت اسلامی و جمعیت مؤمنان دفاع کند، یعنی حکم جهاد را بر پیامبر ﷺ نازل فرمود. در این زمان بود که مسلمین اجازه یافتند، تا در صورت نیاز و اقتضای مصلحت جامعه و دولت

۱. و آنچه را که (بدان) فرمان داده شده‌ای، آشکار کن؛ و از مشرکان روی برتاب؛ [چرا] که ما تو را (از شرّ) مسخره کنندگان، کفایت می‌کنیم.»

۲. «صبور باشید؛ زیرا فعلاً مأمور به درگیری و جنگ با مشرکان نیستیم.»

۳. با حکمت و پند نیکو، به راه پروردگارت فرا خوان، و با آنان به آن (شیوه‌ای که) نیکوتر است، مناظره کن! درحقیقت، پروردگارت خود، به کسی که از راهش گمراه گشته، داناتر است و او به (حال) ره یافتگان (نیز) داناتر است.»

اسلامی، به جهاد و پیکار با دشمنان بپردازند. از همین رو، ابتدا در آیات ۲۱۶-۲۱۸ سوره بقره جهاد را بر مسلمانان واجب دانست. آن‌گاه با یادآوری از سه گروه کفار، مرتدین و فتنه‌گران، آنان را خطر مهمی در برابر دولت نبوی ﷺ معرفی می‌کرد. سپس ضمن ترغیب مؤمنان برای قتال در راه خدا، به لزوم تبعیت از رهبر جامعه اسلامی در امر جهاد اشاره می‌نمود (بقره: ۲۴۳-۲۵۴).

در عین حال، با توجه به هدف پیامبر ﷺ، در اصلاح فرهنگ و قوانین جاهلی، می‌بایست به اصلاح قوانین جنگ و مبارزه بپردازد. بنابراین، «چنین به نظر می‌رسد که خدای متعال در حین نزول سوره بقره، و پس از جنگ بدر و پیروزی در این جنگ، که در سال دوم هجری واقع شد، سوره انفال را در حالی که هنوز نزول سوره بقره ادامه داشت، نازل فرمود تا به‌طور ویژه احکام دفاعی و جهادی اسلام را تبیین کند» (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۹۴). در این سوره به چند حکم الهی که مرتبط با راهبرد نظامی و دفاعی دولت نبوی ﷺ است، اشاره می‌شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. با توجه به اهمیت دولت‌سازی به‌عنوان بخش مهمی از سیر زندگانی نبی مکرم اسلام ﷺ، ایشان در صدد تحقق بخشیدن به مؤلفه‌های اساسی دولت‌سازی بر مبنای اوامر قرآنی برآمدند. بر این اساس، با حضور ایشان در مدینه و فراهم شدن شرایط گذار از جامعه حداکثری مشرکان مکی به جامعه حداکثری مؤمنان، و همچنین دستیابی به جمعیت و سرزمین به‌عنوان دو مؤلفه اساسی دولت‌سازی، دولت نبوی ﷺ تأسیس گردید.
۲. پس از آن باید توجه داشت که هر دولتی در بدو تأسیس با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست. چنانچه این مشکلات با توجه به شرایط و زمینه‌های خاص خود اولویت‌بندی و سپس به تدریج مرتفع نگردند، زمینه‌های فروپاشی و اضمحلال آن فراهم خواهد شد. نظر به اینکه الگوی دولت‌سازی، امری فرایندی است و به تدریج محقق می‌گردد، پیامبر ﷺ نیز این امر را مد نظر خویش قرار داده و به تدریج به فراهم نمودن ضروریات

دولت‌سازی پرداخت. این گوشه از سیر زندگانی رسول اکرم ﷺ، مانند دیگر جنبه‌های حیات طیبه ایشان، بر مبنای نزول تدریجی آیات و سوره قرآن کریم صورت پذیرفت، از این رو، با توجه به چهارچوب تفسیر تنزیلی که در پی نشان دادن معنادار بودن ترتیب نزول آیات و سوره قرآن کریم است، پیامبر اکرم ﷺ نیز بر مبنای ترتیب فرایند نزول به تحقق دولت‌سازی همت گماشت. از این رو، با توجه به سیر نزول آیات سوره بقره به عنوان اولین سوره مدنی، اولویت بندی‌های تداوم دولت‌سازی را مد نظر قرار داد. بر این اساس، در وهله اول پس از تبیین چهارچوب‌های هنجاری جامعه مؤمنان به شناخت موانع پیش روی جامعه نوپای مدنی از جمله وجود دشمنانی چون منافقان و یهودیان، به هدایت افراد جامعه در برابر دسیسه‌های آنان پرداخت. آن‌گاه برای تثبیت هویت امت و اتحاد و انسجام بین آنها اقدام به تغییر قبله به عنوان نماد دولت نبوی ﷺ نمود؛ و استراتژی دولت-امت را بر مبنای امت و وسط قرار داد؛ امتی که دنیا و آخرت و به تعبیری، دین و دنیا را توأم با یکدیگر می‌بیند. سپس قانون را که از مؤلفه‌های دولت‌سازی است، مد نظر خویش قرار داد. از مهم‌ترین آنها تشریح قوانین و احکام جهاد بود. این احکام، ضمن اینکه جامعه نو بنیاد نبوی ﷺ را رفته‌رفته از فرهنگ و قوانین جاهلی دور می‌کرد، کمک شایانی به قوام دولت تازه تأسیس نبوی ﷺ نمود.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن هشام، (۱۴۰۶). السیره النبویه، قاهره، مطبعة مصطفى البابي الحلبي.

ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۳). مبانی سیاست، تهران، توس.

بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، مبانی، اصول، قواعد و فواید،

قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

_____ (۱۳۹۴). شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، قم، تمهید.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). تفسیر تسنیم، قم، اسراء.

حاتمی، عباس (۱۳۹۰). «نظریه‌های مختلف دولت‌سازی: به سوی یک چهارچوب بندی نظری»،

پژوهشنامه علوم سیاسی، ش سوم، تابستان، ص ۹.

- خامه‌گر، محمد (۱۳۸۹). «شبکه معنایی موضوعات قرآن؛ معرفی شش رویکرد در تفسیر موضوعی قرآن کریم»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، تابستان و پاییز، ش ۶۲-۶۳، ص ۶۹.
- دال، رابرت (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳). التفسیر الحديث، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- الزحیلی، وهبه مصطفی (۱۴۱۲). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دراسه مقارنه، بیروت، دارالفکر.
- سمهودی، نورالدین علی ابن احمد (۱۴۰۱). وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، محقق: خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- سهیلی، عبدالرحمن ابن عبدالله (بی تا). الروض الانف فی شرح سیره النبویه لابن هشام، تحقیق، عبدالرحمن الوکیل، بیروت، دارالفکر.
- شامی صالحی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الهدی والرشاد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- شرف‌الدین، جعفر (۱۴۱۲). «ترابط الآیات و أغراضها فی سورة البقره»، المعارج، شعبان، ش ۱۵، ص ۷۴.
- شهبابی، محمود (۱۳۵۴). ادوار فقه، تهران، دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۱). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت انتشار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا.
- معادیخواه، عبدالمجید (۱۳۷۲). فرهنگ آفتاب، تهران، ذره.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷). تاریخ قرآن، تهران، سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۰). درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، تهران، هستی‌نما.